

نقدی بر ترجمه مدخلی از دانشنامه *ایرانیکا*

مصطفی حسینی (استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران)

mhoseini@basu.ac.ir

چکیده

مقاله حاضر به بررسی ترجمه فارسی یکی از مقالات دانشنامه *ایرانیکا* تحت عنوان «تأثیر رباعیات عمر خیام بر ادبیات و جامعه غرب» (۲۰۰۸) می‌پردازد که مصطفی صداقت‌رستمی آن را با عنوان «عمر خیام؛ در صحنه ادبی و اجتماعی آن سوی آب‌ها»، ترجمه کرده و در ماهنامه *گلستانه*، تیرماه ۱۳۹۳، شماره ۱۳۱، ص ۶۷-۶۹ منتشر شده است. متأسفانه خطاهای پُرشمار و متنوعی به این ترجمه راه یافته است که برخی از آن‌ها عبارتند از: ضبط نادرست نام افراد، توجه نکردن به ضبط اشهر عناوین کتاب‌ها، ترجمه نکردن برخی عناوین، ترجمه نادرست برخی جملات و مواردی از این دست. نویسنده حاضر این موارد را در هفت فقره دسته‌بندی و در هر مورد پیشنهاد و توضیحی مناسب عرضه کرده است. این موارد عبارتند از: (۱) تلفظ و ضبط نام‌های فرانسوی، (۲) تلفظ و ضبط نام‌های آلمانی، (۳) تلفظ و ضبط نام‌های انگلیسی، (۴) تلفظ و ضبط نام‌های هلندی، (۵) عناوین ترجمه نشده، (۶) عناوینی که غلط ترجمه شده‌اند و (۷) ترجمه‌های نادرست برخی از جملات. ناگفته نماند که این گونه ترجمه‌های شتاب‌زده مصداق کوشش بی‌فایده است و نه تنها باری از دوش مشتاقان این عرصه بر نمی‌دارد، بلکه می‌تواند مبتدیان و خوانندگانِ نوسفر را نیز به کژراهه بيفکند.

کلیدواژه‌ها: *ایرانیکا*، ترجمه، عمر خیام، یوس بیخستراتن، مصطفی صداقت‌رستمی.

مقدمه

بی‌هیچ گمان عمر خیام مشهورترین شاعر ادبیات فارسی در مغرب زمین است. این آوازه، از سوئی، مرهون مضامین جاودانه رباعیات اندک‌شمار اوست که در آن به زبانی سخته و بیانی موجز و آهنگین کاری کارستان کرده است و از دیگر سو به دلیل ترجمه شاعرانه و افسونکارانه

ادوارد فیتزجرالد (۱۸۰۹-۱۸۸۳)، شاعر - مترجم انگلیسی. ناگفته پیداست که شعر خیام به مدد ترجمه منظوم فیتزجرالد جهان غرب را درنوردید. شاید یکی از علل این کامیابی رشک‌انگیز و حُسنِ قبولِ بی‌سابقه آئینه‌ای است که او در برابر غریبان نهاد تا آنان تصویر سرگشتگی‌ها و درماندگی‌های خود را به عیان در آن ببینند. تو گوئی خیام از ذهن و زبان آنان سخن می‌راند، و نه آیا «خوش‌تر آن باشد که سر دلبران / گفته آید در حدیثِ دیگران».

به گفته شادروان جواد حدیدی (۱۳۱۱-۱۳۸۱) در کتاب *گران‌قدر از سعدی تا آراگون*، خیام در اروپا همچون حافظ در ایران است. یکی از کشورهای اروپائی که خیام در آنجا شهرتی بسزا دارد هلند است. شاعران و مترجمان بزرگی بارها و بارها رباعیات او را از روی ترجمه فیتزجرالد و گاه نسخه‌های فارسی به هلندی ترجمه کرده‌اند. به‌علاوه، هلندی‌ها، به تبعیت از انگلیسی‌ها و آمریکائی‌ها، در سال ۱۹۹۰ صاحب انجمن عمر خیام شدند. در کتاب *ارجمند* عمر خیام بزرگ: پذیرش جهانی رباعیات^۱ (۲۰۱۲) که زیر نظر دکتر علی‌اصغر سیّد غراب، استاد برجسته ادبیات فارسی دانشگاه لیدن هلند، گردآوری شده پنج فصل به جنبه‌های مختلف پذیرش خیام در هلند اختصاص یافته است.

مثلاً مارکو خود^۲، استاد دانشگاه فرای آمستردام، در جستار «تأثیر عمر خیام بر ادبیات مدرن هلند» به بررسی پذیرش خیام در ادبیات مدرن هلند می‌پردازد و به برخی از مترجمان هلندی رباعیات خیام نظیر کریس فان بالن (۱۹۱۰)، ی. ه. لئوپلد (۱۹۱۱)، پ. ک. بوتنز (۱۹۱۳)، و ویلم دو مروود (۱۹۳۱) و چندین شاعر مشهور دیگر اشاره می‌کند. فان هالسم^۳، استاد دانشگاه فرای آمستردام، در مقاله «حقیقت تلخ: تأثیر خیام بری. ه. لئوپلد» از تأثیر فلسفه حکیم عمر خیام بری. ه. لئوپلد شاعر (۱۸۶۵-۱۹۲۵) سخن می‌راند. یوس بیخستراتن^۴، رئیس انجمن عمر خیام هلند، در فصل «چگونه عمر خیام بر هنرمندان تجسمی هلندی تأثیر گذاشت؟» اثر چهار هنرمند هلندی ویلم آرون‌دیوز (۱۸۹۴-۱۹۴۳)، خر خرتیس (۱۸۹۳-۱۹۶۵)، سیپ وان دن برگ (۱۹۲۰-۱۹۹۸) و تئو فرر (۱۹۲۳-۲۰۰۴) را بررسی می‌کند که از رباعیات خیام

1. The Great Umar Khayyam: A Global Reception of the Rubáiyát

2. M. Goud

3. J.D.F. van Halsema

4. Jos Biegstraaten

ملهم بودند. روکس دو گروت^۱، استاد دانشگاه آمستردام، در مقاله «میراث عمر خیام در موسیقی هلند» از واکنش آهنگ‌سازان و تصنیف‌سازان هلندی به رباعیات عمر خیام ترجمه فیتزجرالد سخن می‌گوید. القصه، خیام در هلند شاعری نامبردار است.

یکی از خیام‌پژوهان برجسته هلندی یوس بیخستراتن، رئیس انجمن عمر خیام هلند، است که صاحب چندین کتاب و مقاله عالمانه در این باب است. برخی از مقالات او که مرجع اهل تحقیق در این حوزه است عبارتند از: ۱. «خیام متبسم»^۲؛ ۲. «تأثیر رباعیات عمر خیام بر ادبیات و جامعه غرب»^۳ (دانشنامه ایرانیکا، ۲۰۰۸)؛ ۳. «چگونه عمر خیام بر هنرمندان تجسمی هلندی تأثیر گذاشت؟»^۴ (در عمر خیام بزرگ: پذیرش جهانی رباعیات، انتشارات دانشگاه لیدن، ۲۰۱۲). مقاله حاضر به بررسی ترجمه فارسی یکی از مقالات او «تأثیر رباعیات عمر خیام بر ادبیات و جامعه غرب» (دانشنامه ایرانیکا، ۲۰۰۸) می‌پردازد که مصطفی صداقت‌رستمی (گلستانه، تیرماه ۱۳۹۳، شماره ۱۳۱، ص. ۶۷-۶۹) آن را با عنوان «عمر خیام؛ در صحنه ادبی و اجتماعی آن سوی آب‌ها»، ترجمه کرده است. یوس بیخستراتن این مقاله موجز را، به سفارش احسان یارشاطر، برای دانشنامه کرامند/ایرانیکا نوشته است. نوشتن مدخل برای دانشنامه کاری دشوار و تخصصی است، مقدمات و اصولی دارد و از عهده هر کسی بر نمی‌آید. در زبان‌های غربی برای چنین فردی حتی واژه‌ای وضع شده است، مثلاً در زبان انگلیسی به چنین فردی encyclopaedist (مدخل‌نویس) می‌گویند. بر همین سیاق، ترجمه مداخل دانشنامه‌ای نیز نیازمند مقدماتی چند است؛ سوخته داند که چیست، پختن سودای خام! و از دیرباز، برای مترجم دو شرط اساسی را ضروری دانسته‌اند. یکی، تسلط بر زبان مبدأ و مقصد، دیگری، دست به قلم بودن و داشتن «سر سوزن ذوقی». بر این دو، می‌توان آشنائی با حوزه‌ای را که مترجم در آن کار می‌کند نیز افزود.

مترجمی را تصور کنید که تاکنون آزمایشگاه شیمی را به چشم ندیده است، هیچگاه لوازمی مانند بشر، ارلن، پیپت، بورت، چراغ الکی، و ... را از نزدیک ندیده، نام انرژی اکتیواسیون،

1. R. de Groot

2. Omar with a Smile; ۳۷-۱، ص. ۲۰۰۵، لوون، ۲۰۰۵.

3. Omar Khayyam Impact on Literature and Society in the West

4. How Umar Khayyem Inspired Dutch Visual Artists

موازنه کردن، اسید، باز، قلیا و جز آن ... به گوشش نخورده است. او چگونه می‌تواند متنی را در زمینه شیمی به فارسی ترجمه کند و به درستی از عهده کار برآید. بر همین سیاق، ترجمه متون ایران‌شناسی نیز محتاج آشنائی با این حوزه است و به صرف داشتن کوره سواد در انگلیسی و فارسی نمی‌توان در این وادی گام نهاد و کاری از پیش بُرد. متأسفانه خطاهای پُرشمار و متنوعی به این ترجمه راه یافته است: ضبطِ نادرست نام افراد، توجه نکردن به ضبط اشهر عناوین کتاب‌ها، ترجمه نکردن برخی عناوین، ترجمه نادرست برخی جملات و غیره. مواردی از این دست را در چند عنوان دسته‌بندی و سپس برای هر مورد پیشنهاد خود را نیز عرضه می‌کنم. تلفظ و ضبط صحیح نام نویسندگان نیازمند مراجعه مترجم به فرهنگ تلفظ نام‌های خاص یا افرادی است که با این زبان‌ها آشنائی دارند. افزون بر آنچه آمد، اگر مترجم در خصوص موضوع ترجمه مطالعه داشته باشد با محققان و عناوین کتاب‌های مرتبط نیز آشنا خواهد شد. فی‌المثل فرد آشنا با حوزه خیام‌پژوهی در کتاب‌های پانزده‌گفتار استاد فقید مجتبی مینوی (مقاله «گل سرخ نشابور»)، صهبای خرد: شرح احوال و آثار حکیم عمر خیام نیشابوری دکتر مهدی امین‌رضوی و مقاله علی دهباشی («گزارشی از کنفرانس میراث عمر خیام (دانشگاه لیدن دانشگاه کمبریج)») با برخی از این نام‌ها مواجه شده است.

۱) تلفظ و ضبط نام‌های فرانسوی

نادرست	درست
اف وویک ^۱	ف. ویکه
جی بی نیکولاس ^۲	ژ. ب. نیکلا
چارلز گرولو ^۳	شارلر گرولو
فرانز توسینت ^۴	فرانتس توسن
کلود آنت ^۵	کلود نه
آرتور گای ^۶	آرتور گی

1. F. Woepcke
2. J. B. Nicolas
3. Charles Grolleau
4. Franz Toussaint
5. Claude Anet
6. Arthur Guy

اسم ف. وپکه و ژ. ب. نیکلا در مقاله «گل سرخ نشابور»، در کتاب *پانزده گفتار* استاد مجتبی مینوی و کتاب *صهبای خرد: شرح احوال و آثار حکیم عمر خیام نیشابوری* دکتر امین رضوی آمده است. فرانسویان، در قرن نوزده، نخست رساله‌های ریاضی خیام و سپس اشعار او را کشف کردند. در سال ۱۸۵۱ بود که ف. وپکه چاپی انتقادی از رساله خیام در جبر عرضه و سپس آن را به فرانسه ترجمه کرد. ژ. ب. نیکلا در حوزه خیام و فیتزجرالد پژوهی نامی آشناست. وی در سال ۱۸۶۷ ترجمه‌ای منثور از ۴۶۴ رباعی منسوب به خیام را به فرانسه عرضه کرد. این ترجمه دومین ترجمه فرانسوی رباعیات خیام به‌شمار می‌رود. شایان ذکر است که گارسن دو تاسی (۱۷۹۴-۱۸۷۸)^۱، مستشرق شهیر فرانسوی، برای اولین بار ۱۰ رباعی از خیام را به فرانسه ترجمه کرد که در سال ۱۸۵۷ منتشر شد:

... به دنبال این فتح باب بود که گارسن دو تاسی ترجمه پاره‌ای از رباعیات را به فرانسوی بر عهده گرفت. یک دهه بعد، ژ. ب. نیکلا، که فارسی را در تهران آموخته بود، ترجمه مقدار بیشتری از رباعیات را به فرانسه انجام داد. نیکولا مترجم سفارتخانه فرانسه در تهران بود و در سال ۱۸۶۷ به رباعیاتی که در دربار ایران خوانده می‌شد گوش داد. او از یک متن چاپ سنگی در تهران، که ظاهراً اساس ترجمه جدید فیتزجرالد از ۱۰۱ رباعی قرار گرفت، ترجمه‌ای تحت‌اللفظی کرد. امتیاز این ترجمه نه تنها آن بود که به توسط خاورشناسی کاملاً آشنا با فارسی صورت گرفته بود، بلکه بدین سبب نیز بود که نیکولا با صوفیان ایرانی سده نوزدهم مرتبط و تحت نفوذ آنان قرار گرفته بود. ترجمه تفسیری او به وضوح این گرایش صوفیانه را نشان می‌دهد (امین‌رضوی، ۱۳۸۵، ص. ۳۱۷).

به گفته فیتزجرالد ترجمه نیکلا، با این که تصویری صوفیانه از خیام عرضه می‌کند، اما «برای او یادآور چیزهای بسیاری بود و چیزهائی بدو آموخت» و دیگر بار علاقه او را به عمر خیام برانگیخت.

۱. Garcin de Tassy

۲) تلفظ و ضبط نام‌های آلمانی

نادرست	درست
جوزف وان همر پورگستال ^۱	یوزف فُن هامر پورگشتال
فردریش بودنسندت ^۲	فریدریش بودنشتت
گراف آدولف وون شک ^۳	گراف آدولف فون شاک
فردریش روزن ^۴	فریدریش روزن
هکتور پرسونی ^۵	هکتور پرکُنی
هنس بسج ^۶	هانس بتگه
کریستی هرنهولد رمپیس ^۷	کریستیان هرنهولد رمپیس
دانشگاه توبینژن ^۸	دانشگاه توبینگن
اس. گیتلمن ^۹	ز. گیتلمان

ضبط نادرست نام یوزف فُن هامر پورگشتال (۱۷۷۴ ° ۱۸۵۶) خطائی نابخشدنی است. علاقه‌مندان حوزه ایران‌شناسی با این دیپلمات اتریشی بلندآوازه و پُرکار و خدمات او به زبان فارسی نیک آشنایند. وی در معرفی ادبیات فارسی به کشورهای آلمانی‌زبان، و توسعاً جامعه ادبی و فرهنگی اروپا، نقش بسزائی داشته است:

در سرآغاز آشنائی اروپائیان با ادبیات مشرق‌زمین شعر و غزل فارسی گسترش به حق و شایسته خود را در غرب، خاصه کشورهای آلمانی‌زبان، بیش از همه وامدار شرقشناس قرن نوزدهم اتریش، یوزف فون هامر پورگشتال است (حدادی، ۱۳۸۴، ص. ۳۹). وی کلّ دیوان حافظ را در دو مجلد ترجمه کرد. از گذر همین ترجمه بود که یوهان ولفگانگ فن گوته (۱۷۴۹-۱۸۳۲) با حافظ آشنا شد و «در پختگی و جهان‌پدگی سرآغاز سال‌های پیری چنان از

1. Joseph von Hammer-Purgstall
2. Friedrich Bodenstedt
3. Graf Adolf von Schack
4. Friedrich Rosen
5. Hector Preconi
6. Hans Bethge
7. Christian Herrnhold Rempis
8. Tübingen University
9. S. Gittleman

این آشنائی سر شوق آمد که تصمیم گرفت . . . دفتر شعری (دیوان غربی — شرقی) به شیوه شاعران شرقی فراهم آورد» (حدادی، ۱۳۸۹، ص. هفت). فُن هامر پورگشتال برای اولین بار در کتاب تاریخ ادبیات فارسی که در سال ۱۸۱۸ در وین منتشر شد برخی از رباعیات خیام را به آلمانی ترجمه کرد. از این رو، وی را باید در شمار اولین مترجمان خیام به زبان آلمانی دانست. کتاب تاریخ ادبیات فارسی مشتمل بر آثاری از دوستان شاعر ایرانی مانند رودکی، فردوسی، خیام، سنائی، سعدی، حافظ، مولوی و ... به همراه گزارشی مختصر از شرح حال آنهاست. این کتاب به احتمال قوی، بر اساس تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی ترجمه و تألیف شده است. افزون بر این‌ها، ورود قالب غزل فارسی به شعر آلمانی نیز، البته به طور غیرمستقیم، از رهگذر هامر پورگشتال بود:

فریدریش روکرت (۱۷۸۸-۱۸۶۶)، دیگر شاعر آلمانی هم که علاوه بر سرایندگی، مترجمی برجسته و پرکار بود، باز پس از ملاقات با این شرق‌شناس کوشا در وین در سال ۱۸۱۹م. با غزل‌های دیوان شمس آشنا شد و به ترجمه و اقتباس از آن‌ها پرداخت و به این ترتیب قالب غزل را به عرصه ادب آلمان اضافه نمود (حدادی، ۱۳۸۴، ص. ۴۰).

۳) تلفظ و ضبط نام‌های انگلیسی

نادرست	درست
سر گور اوسلی ^۱	سر گور اوزلی
برنارد کواریچ ^۲	برنارد کواریچ
دانته گابریل روستی ^۳	دانته گبریل رزتی
ادموند گوس ^۴	ادموند گاس
آلدوس هاگزلی ^۵	آلدوس هاکسلی
آرتور کنان دوویل ^۶	آرتور کانن دویل
جی دی یوهنان ^۷	ج. د. یوحنا

1. Sir Gore Ouseley
2. Bernard Quaritch
3. Dante Gabriel Rossetti
4. Edmund Gosse
5. Aldous Huxley
6. Arthur Conan Doyle
- 7 J. D. Yohannan

ضبطِ نادرست برخی نام‌های خاص انگلیسی مایهٔ شگفتی است: ۱) سر گور اوزلی (۱۷۷۰)^۱ (۱۸۴۴). اوزلی باعث و بانی آشنائی ادوارد بایلز کاول^۱، معلم فارسی ادوارد فیتزجرالد، با عمر خیام و رباعیاتش شد. داستان از این قرار است: سر گور اوزلی در زمان پادشاهی جرج سوم سفیر بریتانیا در ایران بود. او طی سال‌های خدمت خود در ایران به‌خاطر علائق شخصی شماری اشیای قیمتی و نسخه‌های خطی از کتابخانه‌های مختلف ایران گردآوری کرد. اوزلی پس از اتمام مأموریت و بازگشتش به انگلستان مجموعهٔ خود را به دانشگاه آکسفورد اهدا کرد که بخشی از کتابخانهٔ بادلین آکسفورد شد. از قضا کاول در این ایام (احتمالاً دههٔ ۱۸۴۰) در دانشگاه آکسفورد نسخه‌های خطی فارسی را برای کتابخانهٔ بادلیان فهرست‌نویسی می‌کرد، در آنجا بود که او به گنجینهٔ اهدائی سر گور اوزلی برخورد کرد. در میان این گنجینه مجلدی از رباعیات خیام نیز وجود داشت که در سال ۸۶۵ هجری در شیراز کتابت شده بود و مشتمل بر رباعی ۱۵۸ بود. کاول در سال ۱۸۵۶ مجلدی از این نسخه را که به خط خود رونویسی کرده بود به ادوارد فیتزجرالد هدیه داد و موجب آشنائی او با رباعیات خیام شد. افزون بر این، سر گور اوزلی در کتاب *احوال و آثار شاعران پارسی*^۲ که در سال ۱۸۴۶ پس از مرگش منتشر شد نیز چند رباعی از خیام را به انگلیسی ترجمه کرد. ۲) ادmond گاس (۱۸۴۹-۱۹۲۸). سال‌ها پیش منوچهر امیری، یکی از مترجمان فقید پیشکسوت، منظومهٔ بلند او، *فردوسی در تبعید*، را در مجلهٔ *وزین یغما معرفی* کرد. (رک. یغما، سال بیست و هشتم، مهر ۱۳۵۴، شمارهٔ ۷ (پیاپی ۳۲۵)). این منظومه چند سال بعد با عنوان *فردوسی در تبعید* در قالب کتاب منتشر شد.^۳ ۳) آلدوس هاکسلی (۱۸۹۴-۱۹۶۳). دکتر سعید حمیدیان، استاد ادبیات فارسی، رمان علمی-تخیلی هاکسلی، *دنیای قشنگ نو*، را سال‌ها پیش ترجمه کرده است. این اثر هاکسلی حتی به چاپ سوم هم رسیده است (رک. هاکسلی، آلدوس. *دنیای قشنگ نو*. ترجمهٔ سعید حمیدیان). گفتنی است که هاکسلی در سال ۱۹۵۸ تکمله‌ای بر این اثر، در قالب مقاله‌ای، نوشت. طرفه

1. Edward Byles Cowell
2. Biographical Notices of Persian Poets

۳. گاس. ا. (۱۳۶۱). *فردوسی در تبعید*. ترجمهٔ منوچهر امیری.

4. Brave New World

اینکه ابوالقاسم جزایری این مقاله را با عنوان «نگاهی دوباره از دنیای قشنگ نو»^۱ به فارسی ترجمه کرده است. (۴) آرتور کنان دوویل (۱۸۵۹-۱۹۳۰). بسیاری از آثار کانن دوویل به فارسی ترجمه شده و در میان پلیسی‌نویسانی که آثارشان به فارسی ترجمه شده دوویل نویسنده شناخته‌شده‌ای است. یکی از مترجمان دوویل زنده‌یاد کریم امامی، مترجم و ویراستاری دقیق‌النظر، بود (مثلاً، نک. ماجراهای شرلوک هولمز، کارآگاه خصوصی، اثر سر آرتور کانن دوویل، ۴ ج، تهران: طرح نو ۱۳۷۷ و ۱۳۷۲). ج. د. یوحنا (۱۹۱۰-۱۹۹۷). کتاب معروف او شعر پارسی در انگلستان و آمریکا به فارسی ترجمه شده است. موضوع این اثر بررسی نفوذ و تأثیر شعر فارسی بر ادبیات انگلستان و آمریکا در قرن‌های هجده و نوزده است:

جان دیوید یوحنا در دیلمان ایران به دنیا آمد. خانواده او تا سال ۱۹۱۸، که پدرش درگذشت، در ایران اقامت داشتند. پس از مرگ پدر، در سال ۱۸۱۹ او به همراه مادر و دو خواهرش (لوئیز و هلن) به آمریکا کوچیدند. یوحنا شیفته فرهنگ و ادبیات ایران، به ویژه شعر فارسی، بود. او در اقدامی جالب کتاب شعر پارسی در انگلستان و آمریکا را با این عبارت می‌آغازد: «به ایران، زادگاهم». یوحنا به دلیل دلبستگی‌اش به شعر فارسی تحصیلات دانشگاهی‌اش را به مطالعه شعر فارسی و تأثیر آن بر شعر و ادب انگلستان و آمریکا اختصاص داد. این امر به خوبی از عناوین رساله کارشناسی ارشد و دکترای او مشهود است. او از رساله کارشناسی ارشدش حافظ، شاعر ایرانی، در انگلستان و آمریکا در سال ۱۹۳۹ در دانشگاه بریتیش کلمبیا، و از رساله دکتریش شعر فارسی در انگلستان تا رباعیات عمر خیام در دانشگاه نیویورک در سال ۱۹۴۷ دفاع کرد (حسینی، ۱۳۹۴، ص. ۲۵۲).

۴) تلفظ و ضبط نام‌های هلندی

نادرست	درست
جوس بیگستراتن ^۲	یوس بیخستراتن
انتشارات اولان ^۳	انتشارات آوالن

1. Brave New World Revisited
2. Jos Biegstraaten
3. Avalon Pers

(۵) عناوین ترجمه نشده

در داخل متن سه عنوان آلمانی وجود دارد که ترجمه نشده و به همان شکل آلمانی به خواننده فارسی زبان عرضه شده است. بدیهی است که مترجم کتاب یا مقاله را برای کسانی ترجمه می‌کند که بدان زبان آشنائی و یا مجال مراجعه به آن زبان را ندارند. از این رو، در متن ترجمه شده نباید لغت، اصطلاح یا عبارتی به زبان مبدأ وجود داشته باشد. اگر نویسنده الفاظ و عباراتی از دیگر زبان‌ها، غیر از زبان مبدأ را به کار برده است مترجم باید بکوشد به کمک متخصصان آن‌ها را به زبان مقصد ترجمه کند. ترجمه سه عنوان آلمانی ترجمه نشده به ترتیب عبارت است از: **الف)** گنجینه‌های مشرق‌زمین (مخزن الکنوز الشرقیه)^۱، **ب)** عمر خیام و رباعیاتش^۲، **ج)** انتشارات انجمن عمر خیام آلمان^۳. شایان ذکر است که مجله گنجینه‌های مشرق‌زمین یا مخزن الکنوز شرقیه نخستین نشریه علمی شرق‌شناسی به زبان آلمانی است که یوزف فن هامر پورگشتال «پیشاهنگ شرق‌شناسی در کشورهای آلمانی‌زبان» آن را راه‌اندازی کرد. وی بیش از نه سال سرپرستی و سردبیری این مجله شرق‌شناسی را که در کنار ترجمه دیوان حافظ در کارنامه علمی او مقامی جداگانه دارد، به عهده داشت:

یک خان بزرگ لهستانی به نام گراف رتسوکی به سبب گرایش و محبت عمیق خود به ادبیات شرق، پذیرفت که هامر با حمایت مالی او یک مجله شرق‌شناسی با اعتبار بین‌المللی تأسیس کند. این مجله فوندگروبن از سال ۱۸۰۹ تا ۱۸۱۶ م. کانونی پویا و انگیزه‌بخش برای همکاری بسیاری از شرق‌شناسان بزرگ آن زمان در سطح اروپا بود و برای نمود بخشیدن به جنبه جهانی‌اش، عنوان سه‌زبانه داشت که عربی آن از این قرار است: *مخزن الکنوز الشرقیه و معدن الرموز الاجنبیه*. (حدادی، ۱۳۸۴، ص. ۴۳).

(۶) عناوینی که غلط ترجمه شده‌اند

(۱) «عمر خیام در صحنه ادبی و اجتماعی آن سوی آب‌ها»^۴. بدیهی است که دست مترجم در ترجمه عناوین اندکی بازتر است. اما در ترجمه عناوین آثار پژوهشی (اعم از کتاب، رساله

1. Fundgruben des Orients/Mines d Orient
2. Omar Chajjam und seine Vierzeiler
3. Verlag der Deutschen Omar Chajjam-Gesellschaft
4. Omar Khayyam Impact on Literature and Society in the West

و مقاله) آزادی عمل مترجم به اندازه ترجمه عناوین آثار ادبی (شعر، رمان، نمایش نامه، داستان کوتاه) نیست. به نظر بهتر است عنوان این مقاله را «تأثیر رباعیات عمر خیام بر ادبیات و جامعه غرب» ترجمه کنیم که رسا و گویاست و نیازی به افزودن چاشنی رماتیک هم ندارد.

۲) تاریخ دین کهن ایرانی^۱. عنوان کتاب غلط ترجمه شده، ترجمه درست آن چنین است: تاریخ ادیان پارسی، پهلوی، و مادی قدیم (۱۷۰۰). چنانکه در مقاله بیخستراتن ذکر شده سر تامس هاید (۱۶۳۶ ° ۱۷۰۳)، مستشرق انگلیسی، اولین پژوهشگر غربی بود که درباره خیام تحقیق و مطالعه کرد. هاید در کتابش نه تنها بخش موجزی را به زندگی و آثار علمی خیام اختصاص داد، بلکه یک رباعی منسوب به او را هم به لاتین ترجمه کرد. و آن رباعی این است:

ای سوخته سوخته سوختنی / وی آتش دوزخ ز تو افروختنی

تا کی گویی که بر عمر رحمت کن / حق را تو که بی به رحمت آموختنی

شایان ذکر است که سر تامس هاید در ضمیمه کتاب مذکور صفحه ۴۹۹ حکایتی را نقل می کند که نظامی عروضی سمرقندی در مقالت سوم چهار مقاله (۵۵۱ ق.) درباره خیام آورده است. بعدها ادوارد بایلز کاول، معلم فارسی فیتزجرالد، این حکایت را در مقاله معروفش، «عمر خیام منجم شاعر ایرانی»، نقل کرد و از این رهگذر وارد مقدمه فیتزجرالد بر ترجمه معروفش (۱۸۵۹) شد و پس از او در سطحی وسیع به دنیای ادبی غرب راه پیدا کرد.

۳) نقد و بررسی آمریکای شمالی^۲. عنوان مجله غلط ترجمه شده و ترجمه درست آن این است: مجله آمریکای شمالی. کلمه «ریویو» در این عبارت به معنی نقد و بررسی نیست بلکه مراد مجله ای است که به نقد و بررسی کتاب و مقالات می پردازد (نک. معنای سوم این واژه در فرهنگ مرین وبستر^۳).

سردبیر مجله آمریکای شمالی چارلز الیت نورتن، استاد هنرهای زیبای دانشگاه هاروارد، بود. نورتن اولین مروج رباعیات عمر خیام ترجمه ادوارد فیتزجرالد در آمریکا محسوب می شود. وی در اکتبر سال ۱۸۶۹ در مجله آمریکای شمالی اثر فیتزجرالد را نقد و معرفی کرد.

1. Historia religionis veterum Persarum eorumque magorum

2. North American Review

3. a magazine filled mostly with reviews and articles that describe the writer's thoughts or opinions about a subject.

نورتن ایجاز و قدرت بیان، استحکام لفظ و معنا، آهنگ و موسیقی این ترجمه را سخت ستود و از تطابق آن با روح زمانه در شگفت بود:

حیرت‌آور است که افکار و عواطف شاعر ایرانی اینقدر به افکار و عواطف امروز ما نزدیک است. از این رو، این شعر در کسوت انگلیسی‌اش بیانگر اولین و آخرین تحیر و تردید نسلی است که ما خود بدان تعلق داریم. احتمالاً در میان انبوه ترجمه‌ها یا اقتباس‌های انگلیسی از شعر شرق ترجمه‌ای وجود ندارد که بتواند با این مجلد موجز پهلو بزند. شیوائی و پیراستگی این ترجمه، فصاحت لفظ و بلاغت معنا با قدرت تخیل و نیروی معنوی کاملاً مطابقت دارد (نورتن، ۱۸۶۹، ص. ۵۷۶).

به اعتقاد چارلز الیت نورتن استعداد شاعرانه مترجم اثری هنری عرضه کرد که در عین وفاداری نسبی به متن اصلی، می‌تواند به عنوان اثری مستقل روی پای خود بایستد. بنابراین، او (فیتزجرالد) را باید «مترجم» نامید فقط به این علت که لفظ دیگری نمی‌توان یافت. او روح شاعرانه را از یک زبان به زبانی دیگر درآورده و به قالب تازه‌ای منتقل کرده که یکسره با قالب سابق آن متفاوت نیست. به علاوه آن را با مقتضیات زمانی، مکانی، عادات، و رویه فکری بافت جدید سازگار کرده است. به احتمال قوی در میان انبوه ترجمه‌ها یا اقتباس‌های انگلیسی از شعر شرق ترجمه‌ای وجود ندارد که بتواند با این مجلد موجز پهلو بزند. رباعیات عمر خیام کار یک شاعر است که ملهم از شاعر دیگری است؛ تقلیدی از آن نیست، بلکه بازسزائی آن است؛ ترجمه نیست، بلکه بازآفرینی یک الهام شاعرانه است (نورتن، ۱۸۶۹، ص. ۵۷۶).

۴) *البیوت تسخیرشده*! ترجمه عنوان، دقیق و مناسب نیست. این کتاب درباره برخورد ت. س. الیوت، شاعر و منتقد نامدار آمریکائی انگلیسی، با رباعیات خیام در ادوار مختلف زندگی است. اولین برخورد ت. س. الیوت با رباعیات خیام در چهارده سالگی بود که شدیداً بر او تأثیر نهاد و به وادی شعر و شاعری‌اش کشانید:

به روشنی لحظه‌ای را به خاطر می‌آورم که، در چهارده سالگی یا همین حدودها، برحسب اتفاق نسخه‌ای از رباعیات خیام، ترجمه ادوارد فیتزجرالد را که جایی افتاده بود برداشتم و از رهگذر آن با عالم تازه‌ای از عاطفه و احساس سخت آشنا شدم. حالت من در آن لحظه به تغییر

ناگهانی دین و آئین می‌مانست؛ دنیا به نظرم دنیای جدیدی می‌آمد، که با رنگ‌های شاد، دلپذیر ولی رنج‌آور رنگ شده بود (امین‌رضوی، ۱۳۸۵، ص. ۲۹۸).

شاید *الیوتِ مجنون* یا *جن‌زده* عنوان دقیق‌تری باشد، زیرا واژه *possessed* به معنی جن‌زده است. *مجنون* هم در اصل به معنی جن‌زده است که به مرور زمان توسع معنایی (دیوانه) پیدا کرده است. گفتنی است که عنوان *رمان داستایوسکی* به انگلیسی *The Possessed* ترجمه شده است. ترجمه اخیر این *رمان* به قلم *سروش حبیبی* با عنوان *شیاطین (جن‌زدگان)* روانه بازار نشر شده است.

۵) *شرابِ حکمت*^۱. ترجمه عنوان درست است، اما مشکل اینجاست که مترجم به ضبط مشهورتر آن توجهی نکرده یا از آن بی‌خبر بوده است. *مجدالدین کیوانی*، استاد *پیشکسوت* زبان‌شناسی، عنوان زیبای *صهبای خرد: شرح احوال و آثار حکیم عمر خیام نیشابوری* بر آن نهاده و انتشارت سخن، ناشری معتبر، آن را به روشنای نشر رسانده است (نک. امین‌رضوی (۱۳۷۸)). وانگهی، این کتاب به چاپ دوم هم رسیده است.

۶) *ماجرای عاشقانه رباعیات*^۲. ترجمه عنوان این اثر نادقیق است. شاید بهتر باشد آن را *سرگذشت رباعیات* ترجمه کنیم. واژه *Romance* به معنی داستان، هوسنامه و عشقنامه است که مجازاً *سرگذشت* نیز معنا می‌دهد. آ. ج. آربری، مستشرق آوازه‌مند بریتانیایی، در این کتاب بر آن است تا سیر فراز و فرود ردّ و قبول *رباعیات* عمر خیام ترجمه فیتزجرالد را بررسی کند:

در این اوراق برآنم تا تاریخچه رباعیات را بررسی کنم. از تابستان ۱۸۵۶ که کاول اولین بار فیتزجرالد را با خیام آشنا کرد، تا بهار ۱۸۵۹ و پا نهادن شعر او به جهان؛ بی‌آن‌که توجه کسی را برانگیزد. این داستان پیش‌تر گفته شده است، اما نه با این جزئیات یا با این درجه از اعتبار و دقت؛ از برخی از نامه‌ها که تا کنون منتشر نشده، یا برخی نسخه‌های دست‌نویس که از آن‌ها به طور ناقص استفاده شده، برای اولین بار بهره برده‌ام. بنابراین امکان پیگیری تدریجی روند پیشرفت فیتزجرالد در بزرگ‌ترین اثرش، فراهم شده است تا شاهد پیدایش و زایش بهترین و مشهورترین ترجمه‌ای باشیم که تا کنون انجام شده است (آربری، ۱۹۵۷، ص. ۱۳).

1. The Wine of Wisdom

2. The Romance of the Rubáiyát

۷) شعر پارسی در انگلستان و آمریکا^۱. ترجمه عنوان درست است، اما مشکل اینجاست که مترجم باز هم به ضبط اشهر توجهی نکرده یا از آن بی خبر بوده است. احمد تمیم‌داری، استاد پیشکسوت ادبیات فارسی، این کتاب را با عنوان گستره شعر فارسی در انگلستان و آمریکا ترجمه کرده است (رک. یوحنا، ج. د. (۱۳۸۵). گستره شعر فارسی در انگلستان و آمریکا، تحقیق و ترجمه احمد تمیم‌داری).

۷) ترجمه‌های نادرست

فهرست خطاها و لغزش‌های این بخش را می‌توان بیش از این ادامه داد، اما به دلیل خارج بودن آن از حوصله گفتار حاضر و بیم اطنا، از آن چشم می‌پوشیم و به مشتی از خروار بسنده می‌کنیم. در این بخش ابتدا متن انگلیسی، سپس ترجمه فارسی مترجم و آنگاه ترجمه پیشنهادی خود را آورده‌ام. گفتنی است که جملات پیشنهادی صرفاً برای بیان معنی درست جملات انگلیسی است نه ترجمه نهائی آنها.

1. The writer, Edward FitzGerald (1809-83) had 250 copies printed anonymously.

۱) ادوارد فیتزجرالد نویسنده (۱۸۰۹-۱۸۸۳) به‌طور ناشناس از این نسخه‌ای که خود ترجمه کرده بود ۲۵۰ کپی گرفت.

ادوارد فیتزجرالد (۱۸۰۹ ° ۱۸۸۳)، مترجم کتاب، از کواریچ خواست که ۲۵۰ نسخه از آن را بی‌نام چاپ کند.

2. In 1861 the booklet ended up in Quaritch's remainder box.

۲) این نسخه خیام در سال ۱۸۶۱ تبدیل به یک کتاب باد کرده شد (ص. ۶۷)

در سال ۱۸۶۱ این کتابچه از جعبه کتاب‌های حراجی سر درآورد.

3. Eminent men of letters . . . had borrowed FitzGerald's quatrains in order to turn them into parodies

۳) ادبای مشهوری همچون ... از رباعیات اقتباس کردند تا آنها را تبدیل به هجو کنند

(ص. ۶۸)

ادبای برجسته‌ای مانند ... رباعیات فیتزجرالد را اخذ کردند تا بر آن نقیضه‌ای بسرایند.

4. And an endless stream of editions and translations was to follow in the years after 1929.

(۴) و در سال‌های پس از ۱۹۲۹ جریان بی‌پایانی از ویراست‌ها و ترجمه‌ها جاری گشت.

موج بی‌پایان چاپ‌ها و ترجمه‌ها در سال‌های بعد از ۱۹۲۹ نیز همچنان ادامه داشت.

5. Freethinkers, pictorial artists, composers, choreographers and poets all over the world were inspired by his work.

(۵) آزاداندیشان، هنرمندان مجلات مصور، تصنیف‌سازان، رقص‌پردازان و شاعران سراسر

دنیا از اثر عمر خیام الهام گرفته‌اند.

آزاداندیشان، طراحان، آهنگ‌سازان، خطاطان، و شاعران سراسر جهان از رباعیات خیام

ملهم بودند.

حاصل سخن اینکه، ترجمه کاری است سترگ و از عهده آن برآمدن بایسته مهارت بسیار. کوشندگان این راه پُرسنگ‌گلاخ، به اقتضای نامداران و داعیه‌داران این عرصه، باید به تأنی در آن گام نهند و سختی‌ها را به جان بخرند تا در نهایت به سبک و زبان یگانه خویش دست یازند. این گونه ترجمه‌های شتابزده راهی به دهی نیست و مصداق عرض خود بردن و زحمت دیگران داشتن است؛ زیرا نه تنها باری از دوش مشتاقان این عرصه بر نمی‌دارد، بلکه می‌تواند مبتدیان و خوانندگان نوسفر را نیز به کژراهه بيفکند.

کتابنامه

امین‌رضوی، م. (۱۳۸۷). صهبای خرد: شرح احوال و آثار حکیم عمر خیام نیشابوری. ترجمه دکتر مجدالدین کیوانی. تهران: سخن.

حدادی، م. (۱۳۸۴). ژرف فون هامر پورگشتال. در آئینه آب. به کوشش بهمن نامور مطلق. تهران: همشهری، ص. ۳۹-۵۳.

حدادی، م. (۱۳۸۹). دیدار غرب و شرق در هجرت گوته: دیوان گوته از نگاه میان فرهنگی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

حسینی، م. (۱۳۹۴). شعر فارسی در انگلستان و آمریکا: تاریخ دو‌یست‌ساله. ادبیات تطبیقی

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، ۱۲، ۲۵۰-۲۵۸.

دهباشی، ع. (۱۳۸۸). گزارش کنفرانس میراث عمر خیّام (دانشگاه لیدن، دانشگاه کمبریج). بخارا، ۷۱، ۳۱۷-۳۵۱.

ساجدی، ط. (۱۳۸۶). شرح حال و آثار ژوزف فن هامر پورگشتال. نامه فرهنگستان، ۳۳، ۳۳-۱۴۹-۱۵۷.

مینوی، م. (۱۳۸۳). پانزده گفتار. تهران: طوس.

- Aminrazavi, M. (2005). *The Wine of Wisdom: the Life, Poetry and Philosophy of Omar Khayyam*. Oxford: Oneworld Publications.
- Arberry, A. J. (1959). *The Romance of the Rubaiyat*. New York: The Macmillan Company.
- Biegstraaten, J. (2015). Omar Khayyam's Impact on Literature and Society in the West. Encyclopaedia Iranica online edition, 2008, available at <<http://www.iranicaonline.org/articles/khayyam-xi>> (accessed on 26 Jun. 2015).
- Norton, C. E. (1869). Les Quatrains de Khayyam, traduits du Persan by J. B. Nicolas; Rubaiyat of Omar Khayyam, the Astronomer-Poet of Persia. *The North American Review* 109. 225 (1869): 565-584.
- Seyed-Gohrab, A (2012). ed. *The Great Umar Khayyam: A Global Reception of the Rubaiyat*, Leiden University Press.